

## روش‌شناسی و نقد ترجمه مجاز در قرآن کریم

رضا امانی<sup>\*۱</sup>، لیلا زربخش<sup>۲</sup>، ام البنین فرهادی<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - کرمانشاه
  ۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر دانشکده علوم قرآنی - کرمانشاه
  ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر دانشکده علوم قرآنی - کرمانشاه
- دریافت: ۱۳۹۲/۰۴/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۲۶

### چکیده

مجاز یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ساختارها و صنایع بیانی در بلاغت به شمار می‌رود و نقش به‌سزایی در زیباشناختی و معناآفرینی بافتار قرآنی دارد. لذا ترجمه آن نیز از اهمیت خاصی برخوردار است که در این نوشتار به روش‌شناسی ترجمه انواع مجاز و نقد عملکرد مترجمان قرآن پرداخته شده است. صاحب نظران در ترجمه انواع «مجاز» - و در مجموع انواع متون - دو روش «معنایی» (ترجمه به مجاز) و «ارتباطی» (ترجمه به حقیقت) را ارائه نموده‌اند. اما نگارندگان مقاله حاضر روش «معنایی - ارتباطی» را به عنوان روشی تلفیقی جهت ترجمه مجازهای قرآن پیشنهاد می‌دهند. به نظر می‌رسد این روش که جمع میان دو روش معنایی و روش ارتباطی است، می‌تواند مناسب‌ترین و کارآمدترین روش برای ترجمه مجاز باشد. حال آن‌که بررسی ترجمه‌های مختلف قرآن نشان از به‌کارگیری روش‌های مختلف از سوی مترجمان محترم دارد که خود موجب بروز نوسانات زیادی در ترجمه ایشان شده، در نتیجه ترجمه‌ها را از علمی بودن به سوی ذوقی بودن سوق داده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، ترجمه، مجاز، نقد، مترجم، ترجمه متون مقدس.

<sup>1</sup> . Email: r\_amani2007@yahoo.com

\* نویسنده مسئول

## ۱- مقدمه

یکی از رویکردهای جذاب در شناخت زوایای ناپیدای قرآن، رویکرد زبان‌شناختی به این متن مقدس است. نظر به این که بیان زبان قرآن کریم در چهارچوب تعابیر و الفاظ موجود در ذهن بشر انجام شده است، کلام الهی برای انتقال مفهوم از راه‌های متنوعی همچون تعابیر کنایی و مجازی بهره‌جسته تا بتواند قابلیت و کارکرد زبان محدود بشری را به میزان نامحدودی افزایش دهد و از ذکر یک کلمه، چندین تصور ذهنی ایجاد شود. از زمان نزول وحی الهی همواره شاهد تلاشی گسترده در جهت تحلیل و فهم زبان آن بوده‌ایم و به دلیل گستردگی طیف صوری به کارگیری مجاز در قرآن، امروزه مطالعه و تحلیل گفتمان قرآن- به منزله اثری ادبی که دارای ویژگی‌های بلاغی بی‌همتایی است- در صدر مطالعات قرآنی قرار گرفته است.

«مجاز»<sup>۱</sup> استعمال لفظ در غیر معنای حقیقی آن همراه با مناسبتی به نام «علاقه» میان معنای اول و دوم آن است که ذهن را به سمت معنای مجازی می‌کشاند. بنابراین گاهی بافت بیرونی<sup>۲</sup> که خواننده را به سمت معنای آشکار واژگان سوق می‌دهد، به دلیل وجود واژه‌ای در قالب مجاز در ابهام<sup>۳</sup> معنایی فرو می‌رود و در این حالت واژگان در ذهن خواننده تداعی می‌شوند و درصدد ابهام معنا برمی‌آیند. بنابراین بیان واژه در قالب مجاز بار معنایی جمله را دو چندان می‌کند. نکته قابل توجه در فرایند به کارگیری ساختار مجاز به جای حقیقت، وجود نکات بیانی و اهداف بلاغی است که در نهایت به کشف جنبه‌ای از وجوه اعجاز بیانی قرآن کریم می‌انجامد و معانی بسیار لطیفی را به ذهن مخاطب انتقال می‌دهد. با توجه به این امر مهم، اهمیت و حساسیت ترجمه الفاظ مجازی موجود در قرآن نمود بیشتری پیدا می‌کند و نیاز مترجم به شناخت دقیق از مفاهیم علم بلاغت و به کارگیری مناسب‌ترین روش در ترجمه آن‌ها احساس می‌شود.

لذا مهم‌ترین سؤال‌های مطرح در این تحقیق عبارتند از این که: روش‌های ترجمه انواع مجاز کدامند و مناسب‌ترین روش در ترجمه مجازهای قرآن کدام روش است؟ عملکرد

مترجمان قرآن در ترجمه انواع مجاز در آیات چگونه بوده و ایشان چه روش‌هایی در این مورد به کار بسته‌اند؟ آیا مترجمان قرآن در ترجمه مجازها روش یکسانی داشته‌اند و آیا یک مترجم روش واحدی در ترجمه انواع مجاز قرآن به کار برده است؟

با بررسی ترجمه‌هایی که تاکنون از قرآن شده است، جهت انتقال معنا سه روش دیده می‌شود که عبارتند از روش «معنایی»، «ارتباطی» و «معنایی-ارتباطی» که به نظر می‌رسد روش سوم یعنی شیوه تلفیق دو روش معنایی و ارتباطی مناسب‌ترین روش برای ترجمه مجاز باشد.

درباره مبحث بلاغت الفاظ، به خصوص در مقوله بلاغت در آیات قرآن، از گذشته تاکنون مطالب فراوانی بیان شده، از جمله می‌توان به کتاب‌های «معانی القرآن» ابوزکریاء قزازی (قرن دوم هجری) و «مجاز القرآن» ابو عبیده معمر بن مثنی (قرن سوم هجری) و نیز بسیاری از آثار دیگر همچون «أسرار البلاغة» و «دلائل الإعجاز» جرجانی (۴۰۷) اشاره کرد. البته در مورد اقسام دیگر بلاغت بیانی، همچون استعاره و کنایه مطالبی در قالب مقاله نگاشته شده است؛ مانند «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرایند ترجمه»<sup>۴</sup> و «روش‌شناسی ترجمه کنایه در ترجمه‌های قرآن»<sup>۵</sup>. همچنین در نشریه تخصصی «ترجمان وحی» طی سلسله مقالاتی به بحث پیرامون مجاز پرداخته شده<sup>۶</sup>، اما در این نوشتارها آن گونه که باید حق مطلب در خصوص روش‌های ترجمه مجاز ادا نشده است. به ویژه آن که در این مقالات نیز همچون آثار گذشتگان نگاهی سنتی به مقوله مجاز و در نتیجه ترجمه آن دیده می‌شود.

## ۲. مفهوم ترجمه و وظیفه مترجم

واژه «ترجم» در لغت مصدر رباعی از فعل «تَرَجَمَ» به معنای انتقال کلام از زبانی به زبان دیگر است (فیومی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۹۲). در اصطلاح نیز عبارت است از یافتن نزدیک‌ترین معادل یک کلام در زبان مقصد، اول از جهت مفهوم و بعد از لحاظ سبک (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱). به عبارت دیگر می‌توان ترجمه را فرایند جایگزینی عناصر متنی

زبان مبدأ به وسیله عناصر متنی زبان مقصد دانست که طی آن مترجم تلاش می‌کند با این عمل جایگزین‌سازی خود، زمینه‌ای را فراهم آورد که در آن نویسنده اصلی و خواننده متن ترجمه با هم به تعامل و تأثیر متقابل بپردازند (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۷: ۷۰). لذا ضروری است که مترجم در هر دو زبان مبدأ و مقصد متبحر باشد و هر کلمه را در موضع معین خود بگذارد و به اسالیب و خصایص هر دو زبان کاملاً آگاه باشد و ترجمه را به جمیع معانی و مقاصد مربوط به متن به نحو مطمئن ایفا نماید (سلماسی زاده، ۱۳۶۹: ۴). به عبارت دیگر وظیفه مترجم برقراری معادل عناصر متنی زبان مبدأ<sup>۷</sup> در زبان مقصد<sup>۸</sup> است. در واقع آنچه مترجم باید منتقل کند، حقیقت مفهوم در سخن است نه حقیقت خارجی، زیرا گوینده سخن با انتخاب واژه‌ها در حقیقت مقصود خودش را با مفهوم واژه ارتباط داده است و مفهوم حقیقی واژه، مرزی است برای کشف مقصود گوینده که نباید از آن فراتر رفت. در قرآن نیز اگر واقعاً مقصود خداوند این بوده که آنچه را مترجم باور دارد در ترجمه آیه بیاورد، ضرورتی نداشت که جمله یا واژه را ابهام‌آمیز و در قالب مجاز نکر کند و می‌توانست واژه را صریح و نه مجازگونه بیان کند. در ترجمه قرآن باید به ساختارهای مختلف زبانی، یعنی لغوی، صرفی، آوایی، نحوی و بلاغی - به ویژه ساختار «مجاز» که از مهم‌ترین ساختارهای بلاغی به شمار می‌رود - به عنوان یک اصل نگریسته شود. وجود این ساختارهای زبانی و ادبی، قدرت تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای به قرآن بخشیده است که در فرآیند ترجمه به لحاظ ساختار زبانی متفاوت، میان زبان مبدأ و زبان مقصد به طور طبیعی از این تأثیرگذاری تا حدودی کاسته می‌شود. اما لازم است مترجم قرآن روش کارآمد و مناسب را در ترجمه و برگردان انواع ساختارهای زبان قرآن در پیش گیرد تا حتی الامکان بتواند ترجمه‌ای معادل و نزدیک به متن اصل ارائه دهد؛ امری که متأسفانه تاکنون مورد غفلت بسیاری از مترجمان بوده است و از نقاط ضعف اساسی ترجمه‌های موجود از قرآن به شمار می‌رود. به عبارت دیگر این امر موجب گشته تا مهم‌ترین اصل ترجمه یعنی اصل «تعادل ترجمه‌ای» میان متن اصلی و متن ترجمه دچار ضعف و خلل شود.

### ۳. انواع متون و روش‌های ترجمه آن

انواع متون را بر حسب بارزترین نقش زبان می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱. متن‌های اطلاعاتی که هدف آن‌ها صرفاً انتقال اطلاعات است. در این گونه متن‌ها، زبان ابزاری است برای بیان نیازها و گزارش رویدادها. از بارزترین این نوع متون، قراردادهای، اخبار و مقاله‌های علمی و فنی می‌باشند.

۲. متن‌های توصیفی که در آن‌ها، زبان ابزاری است برای توصیف حادثه و هدف آن ایجاد احساسی خاص در خواننده است که می‌تواند ویژگی‌های بسیار دقیق و جزئی مربوط به صحنه را در ذهن خود مجسم کند. بارزترین نمونه متن‌های توصیفی، متون ادبی است (فرح زاد، ۱۳۸۷: ۲۰ و ۲۳ و ۲۶).

با توجه به این که قرآن کریم متنی است که از ساختارها و روش‌های بیانی ادبی استفاده فراوان نموده است، از این حیث در ردیف متون توصیفی قرار می‌گیرد. مترجمی که نوع متن و هدف اطلاع‌رسانی و توصیف بخش‌های مختلف آن را تشخیص بدهد، شناخت و برداشت درستی از ترجمه دارد و در انتقال معنا یا تأثیر متن به مخاطب خویش موفق است. امروزه براساس تقسیم‌بندی فوق دو روش نیز در ترجمه انواع متون وجود دارد:

۱. «ترجمه معنایی» که مفهوم متن مبدأ را بدون تغییرات لغوی و با نزدیک‌ترین ساختارهای دستوری و معنایی زبان مقصد منتقل می‌کند. از این نوع برای ترجمه متون توصیفی یا عناصر توصیفی متن‌های اطلاعاتی استفاده می‌شود.

۲. «ترجمه ارتباطی» که پیام متن مبدأ با متداول‌ترین عبارات و ساختارهای دستوری به زبان مقصد برگردانده می‌شود و مترجم تلاش می‌کند براساس معنای کلمه در بافت متن معادل‌یابی کند. البته متون اطلاعاتی در متن‌های توصیفی به شیوه ارتباطی ترجمه می‌شوند (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۴).

در واقع ترجمه معنایی به روش ترجمه تحت اللفظی قرآن و ترجمه ارتباطی به ترجمه‌های آزاد و تفسیری شباهت و نزدیکی دارد. با توجه به نوع متن قرآن کریم به نظر

می‌رسد در ترجمه الگوهای بلاغی از جمله مجاز، روش نخست یعنی ترجمه معنایی از کارآیی بیشتری برخوردار باشد. البته می‌توان در کنار ترجمه معنایی از روش ترجمه ارتباطی نیز بهره جست تا خوانندگان ترجمه به درکی بهتر و کامل‌تر از آیات قرآن برسند که آن را روش تلفیقی «معنایی-ارتباطی» می‌نامیم.

#### ۴. مفهوم، کارکرد و انواع مجاز

«مجاز» از ریشه «جوز» مصدر و به معنای عبور کردن از مکانی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۱۱). نیز می‌توان آن را بر وزن «مَفْعَل» و مشترک میان صیغه‌های اسم مکان و زمان و مصدر میمی دانست (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۵: ۳۲۶). مجاز در زبان متقدمان و حتی قبل از نزول قرآن و در اشعار جاهلی معنای عامی داشته و به هر گونه معنایی که در ورای لفظ اراده می‌شد، اطلاق می‌گشت؛ اما از زمان متأخران در معنای محدودتری به کار رفت و در مقابل حقیقت قرار گرفت که به عنوان نمونه عبدالقاهر جرجانی (۴۷۳) مجاز را این گونه تعریف می‌کند: «هر کلمه‌ای که از آن معنایی جز آن چه واضع وضع کرده است، اراده شود و مناسبت (علاقه غیر مشابَهت) میان معنای دوم و معنای اول باشد، مجاز است» (جرجانی، ۱۳۷۷: ۳۲۵). سکاکی نیز در تعریف مجاز وجود قرینه را اضافه نموده که مانع از اراده معنای حقیقی می‌شود (سکاکی، ۱۹۹۹: ۱۷۰). تعریف اکثر بلاغیون از مجاز نیز همان بیان جرجانی بوده که به طور کلی مجاز استعمال لفظ در غیرمعنای حقیقی است که برایش وضع شده، به لحاظ وجود قرینه صارفه (خطیب قزوینی، ۱۴۲۵: ۱۸۶؛ تفتازانی، ۱۴۱۱: ۲۱۸) و شرط نقل معنای صریح<sup>۱</sup> به معنای مجازی<sup>۱۰</sup> یا دلالت ضمنی، وجود تناسبی است بین آن دو که به آن «علاقه» می‌گویند.

از جمله مبانی به کارگیری مجاز در قرآن، به عنوان یکی از صنایع بلاغی<sup>۱۱</sup>، بهره‌گیری از زبان ادبی زبان عرب و زیبایی‌آفرینی زبان قرآن، شمول معنایی و تأثیر مجاز در فهم معارف بلند قرآن است. زیبا بودن مجاز یکی از لحاظ زیبایی ساختار

صوری متن است و دیگری زیبایی معنای متن که در صورت آن پنهان شده و یک گام جلوتر از ظاهر حرکت می‌کند و خواننده متن را به سوی معنایی عمیق‌تر می‌کشاند. سومین جهت زیبایی آن، روند کسب معنا است که ذهن را به چالش می‌اندازد و وقتی به پروژه رمزگشایی<sup>۱۲</sup> از مجاز وادار می‌شود، با اندیشیدن در قرائن و علایق میان معانی حقیقی و مجازی، به واقعیت فراسوی مجاز پی می‌برد. بنابراین واگذاری روند معنایی، پیام متکلم را در ذهن مخاطب ماندگارتر می‌سازد و این چالش‌ها شوق مضاعفی در مخاطب ایجاد می‌کند و به اصطلاح «أوقع فی النفوس» است.

مجاز خود بر دو نوع است:

۱- مجاز عقلی که در سطح کلام (میان مسند و مسندالیه) جاری است.

۲- مجاز لغوی که در سطح کلمه جریان دارد.

به مجاز عقلی مجاز مرکب و به مجاز لغوی مجاز مفرد نیز اطلاق می‌شود (خطیب قزوینی، ۱۴۲۵: ۱۸۹). به تعبیر جرجانی اگر مجاز در اثبات واقع شود از طریق عقل، و اگر در مثبت واقع شود از طریق لغت به دست می‌آید (جرجانی، ۱۳۷۷: ۳۶۴). حال اگر مناسبت (علاقه) میان دو معنای منقول‌عنه و منقول‌الیه از باب تشابه دو معنا باشد، آن مجاز را «استعاره» و اگر علاقه ملابست (غیر مشابَهت) باشد، آن را «مجاز مرسل» می‌گویند (تفتازانی، ۱۴۱۱: ۲۱۸). این قسم از مجاز (مجاز لغوی یا مفرد مرسل) دارای علاقه‌ها و انواع بسیاری است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: به اعتبار مکان، به اعتبار مایکون، جزئی، کلیه، محلیه، سببیه، مسببیه، لازمیه، ملزومیه، اطلاق اسم خاص بر عام، اطلاق اسم عام بر خاص، حذف، زیاده و قلب.

به هر حال توجه به کارکردهای مختلف زیباشناختی و معناسازی مجاز، این نکته مهم باز یادآور می‌شود که مترجم قرآن کریم بایستی اهتمام و عنایت خاصی به این صنعت مهم بلاغی و بیانی داشته باشد و تلاش نماید تا روشی مناسب در ترجمه این ساختار در پیش گیرد، تا در واقع خواننده ترجمه نیز همچون خواننده متن اصلی قرآن کریم، بتواند

به گونه‌ای شایسته و در تعامل با متن ترجمه به دریافت و درک عناصر زیباشناختی و معناآفرینی قرآن راه یابد.

### ۵. نمونه‌هایی از مجاز در قرآن و نقد ترجمه‌ها

در ترجمه انواع مجاز سه روش پیش روی مترجم قرار دارد که عبارتند از:

- ۱- ترجمه معنایی که همان ذکر معنای لغوی و مجازی واژگان است، مانند ترجمه عبارت «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح، ۱۰) به «دست خداوند بالای دست‌های آنان است».
- ۲- ترجمه ارتباطی که بیان مقصود و مراد مجاز است، مانند «قدرت خداوند فوق قدرت آنان است» در ترجمه عبارت قبل.
- ۳- ترجمه معنایی- ارتباطی که در آن ابتدا معنای مجازی و سپس منظور از مجاز ذکر می‌شود. یعنی: «دست خداوند بالای دست‌های آنان است (قدرت خداوند فوق قدرت آنان می‌باشد)»، که البته بهترین روش در ترجمه انواع مجاز همین روش تلفیقی معنایی- ارتباطی می‌باشد، زیرا از یک سو تعبیر مجازی ذکرشده در آیه را به مخاطب منتقل می‌سازد و به او این فرصت و امکان را می‌دهد تا همانند رویارویی با متن اصل به مطالعه و بررسی مجاز بپردازد و از کارکردهای مختلف آن بهره‌مند شود، و از سوی دیگر با ذکر معنای حقیقی و مفهوم و مقصود مجاز به او در دستیابی به مراد آیه یاری می‌رساند؛ در حالی که هر یک از دو روش قبل به تنهایی ناقص و بعضاً نارسا خواهد بود.

اکنون به بیان چند نمونه از مجازها در آیات قرآنی پرداخته، عملکرد تعدادی از مترجمان را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم.

#### ۵-۱. «وَسَلِّ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا. . .» (یوسف، ۸۲)

ذکر واژه «الْقَرْيَةَ» در این آیه شریفه، بیان یکی از اقسام مجاز یعنی اطلاق اسم محل (ظرف) بر حال (مظروف) است (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۸). البته نظر برخی از مفسران



چنین است که مضاف (اهل) حذف شده و مضاف الیه (الْقَرْيَةَ) در جایگاه مضاف قرار گرفته و سؤال کردن از «قریه» عبارت است از پرسیدن از اهل آن (طوسی، لا. ت، ج ۶: ۱۸۰). حال این پرسش مطرح می‌شود که اگر منظور خداوند تنها سؤال از اهل قریه بود، چرا واژه «اهل» را به کار نبرد؟ با توجه به فصاحت و بلاغت کلام متکلم متعال، می‌توان این نظر را بیان کرد که مقصود خداوند آن است که به محض ورود به آن شهر، همه چیز حتی غیر انسان هم گواه بر حقیقت است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۸: ۴۹۵). لذا همچنان که برخی از مفسران عقیده دارند احتیاجی به مقدر کردن مضاف و حذف آن نیست و «القریه» مجاز لغوی (مفرد مرسل) از تمام موجودات و اشیاء و هر آنچه در شهر دیده می‌شود، است (سیدرضی، لا. ت: ۱۷۳؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۳: ۲۷۱؛ ابن عاشور، لا. ت، ج ۱۲: ۱۰۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۳۷).

ردیف	مترجم	ترجمه	روش ترجمه (مجاز)
۱	دهلوی	و بپرس از دهی که بودیم در آن ...	معنایی
۲	معزی	و بپرس شهری را که در آن بودیم ...	معنایی
۳	آیتی	از شهری که در آن بوده‌ایم بپرس ...	معنایی
۴	مکارم شیرازی	از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن ...	معنایی
۵	الهی قمشه‌ای	و از مردم آن شهر حقیقت را جويا شو ...	ارتباطی
۶	فولادوند	و از [مردم] شهری که در آن بودیم ...	ارتباطی
۷	مشکینی	و از آن مجتمعی که ما در آن بودیم (مردم مصر) بپرس ...	ارتباطی
۸	انصاریان	حقیقت را از شهری که در آن بودیم [و در و دیوارش گواه است] بپرس.	معنایی-ارتباطی
۹	نوبری	از اهل مصر این قصه را بپرس ...	معنایی-ارتباطی
۱۰	سراج	و بپرس از مردم شهری که بودیم در آن ...	معنایی-ارتباطی

همچنان که ملاحظه می‌شود مترجمان در ترجمه مجاز موجود در این آیه از سه روش معنایی، ارتباطی و معنایی-ارتباطی بهره جست‌ه‌اند که به نظر نگارندگان مقاله، بهترین وجه آن است که مجاز آیه را به صورت «معنایی-ارتباطی» ترجمه کنیم تا بیانگر حقیقت اصلی آیه باشد. زیرا آیه تنها مردم را شاهد و گواه نمی‌گیرد. بنا براین پیشنهاد می‌شود این آیه چنین ترجمه شود: «[حقیقت را] از شهری که در آن بودیم (که علاوه بر مردم، در و دیوار و هر آن چه در شهر است هم شاهد می‌باشد) بپرس».

## ۲-۵. ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (شعراء، ۸۴)

در این آیه شریفه نیز از شیء با اسم ابزارش نام برده شده و «لسان صدق» که در لغت به معنی «زبان راستی» است، در معنای «ثنای نیکو» آمده است، به طوری که زبان، آلت و ابزار آن می‌باشد (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۸). به گفته ابو عبیده «لسان صدق» در این آیه یعنی «ثناء حسناً فی الآخِرین» (ابو عبیده، ۱۳۸۱، ج ۲: ۸۷). صاحب معالم التنزیل به نقل از القتیبی آورده که واژه «لسان» به طریق مجاز به جای لفظ «قول» آمده است؛ زیرا قول به وسیله لسان صورت می‌گیرد (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۴۷۱). همچنین صاحب مجمع البیان نیز بیان نموده که عرب لفظ لسان را در جای «قول» و «لغت» استفاده می‌کرده است و اضافه لسان بر صدق اشاره دارد به زبانی که جز به راستی سخن نمی‌گوید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۰۴).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ردیف	مترجم	ترجمه	روش ترجمه (مجاز)
۱	اشرفی	بگردان برایم زبان راستی در پسینیان	معنایی
۲	شعرانی	بگردان مرا زبان راستی در آخران	معنایی
۳	مصباح زاده	بگردان برایم زبان راستی در پسینیان	معنایی
۴	معزی	قرار ده برای من زبان راستی در آخران	معنایی
۵	آیتی	ذکر جمیل مرا در دهان آیندگان انداز	ارتباطی
۶	الهی قمشه‌ای	نامم بر زبان اقوام آتیه نیکو، و سخنم دلپذیر گردان	ارتباطی
۷	انصاریان	برای من در آیندگان نامی نیک و ستایشی والا مرتبه قرار ده	ارتباطی
۸	فولادوند	برای من در [میان] آیندگان آوازه نیکو گذار	ارتباطی
۹	برزی	برای من در میان آیندگان زبان راستین [شهرت نیکو و ذکر جمیل] قرار بده	معنایی-ارتباطی
۱۰	رضایی اصفهانی	برای من در (امت‌های) پسین زبان راستین (و آوازه‌ای نیک) قرار ده	معنایی-ارتباطی

با بررسی ترجمه‌های مترجمان مشهور پیشین و امروزی درمی‌یابیم که ایشان از روش‌های مختلفی در ترجمه مجاز این آیه استفاده کرده‌اند. برخی «لسان صدق» را به روش معنایی، عده‌ای به روش ارتباطی و دسته‌ای دیگر از مترجمان نیز آن را به روش معنایی-ارتباطی ترجمه کرده‌اند که جامع میان دو روش قبل است. ترجمه پیشنهادی نیز به همان روش معنایی-ارتباطی است: «برای من در [میان] آیندگان گفتار حق و راستی (ذکر نیکو) قرار بده».

۳-۵. ﴿وَدَخَلَ مَعَهُ السُّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا...﴾ (یوسف، ۳۶)

یکی دیگر از اقسام مجاز لغوی به اعتبار علاقه آن، نام بردن از شیء به لحاظ حالتی است که در آینده به آن منجر می‌شود. اهل بلاغت این نوع مجاز را «اعتبار مایکون» می‌نامند. از جمله در این آیه شریفه که اطلاق «همر» بر «عنب» به لحاظ فرجام فشردن انگور

است که به تهیه شراب منتهی می‌شود (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۷). از زجاج و ابن انباری نقل شده رسم عرب چنین بوده که شیء را به نام آنچه در آینده بدان مبدل خواهد شد، بخوانند. مثلاً به جای «خشت می‌پزد» می‌گویند «آجر می‌پزد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۵۶). ولی بهتر است برای ترجمه لفظ «خمر» در آیه، همان معنای مشهور آن یعنی «شراب» ذکر شود و برای رساندن مفهوم رساتر، واژه «انگور» به صورت غیر مستقیم و در پراگماتیک نوشته شود تا لطمه‌ای به اصل معنای واژه وارد نشود.

ردیف	مترجم	ترجمه	روش ترجمه (مجاز)
۱	شعرانی	من دیدم خود را در خواب که می‌فشارم شراب را.	معنایی
۲	گرمارودی	من در خواب می‌دیدم که شراب می‌اندازم.	معنایی
۳	آیتی	در خواب، خود را دیدم که انگور می‌فشارم.	ارتباطی
۴	پاینده	به رؤیا خویش را دیدم که انگوری می‌فشارم.	ارتباطی
۵	سراج	من دیدم در خواب خویشتن را که می‌فشارم خوشه انگور را.	ارتباطی
۶	معزی	همانا به خواب دیدم خویش را که انگوری می‌فشارم.	ارتباطی
۷	الهی قمشه‌ای	من در خواب دیدم که انگور برای شراب می‌افشارم.	معنایی - ارتباطی
۸	انصاریان	من پی در پی خواب می‌بینم که [برای] شراب، [انگور] می‌فشارم.	معنایی - ارتباطی
۹	فولادوند	من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می‌فشارم.	معنایی - ارتباطی
۱۰	مکارم شیرازی	من در خواب دیدم که (انگور برای) شراب می‌فشارم.	معنایی - ارتباطی

جدول فوق نشان می‌دهد که روش‌های مختلفی از سوی مترجمان در ترجمه مجاز موجود در آیه به کار بسته شده است، که از میان آن‌ها روش معنایی-ارتباطی می‌تواند روش مناسب و کامل باشد. لذا پیشنهاد می‌شود همچون ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی یا مرحوم فولادوند ارائه شود: «من خویشتن را (در خواب) دیدم که (انگور برای) شراب می‌فشارم».

#### ۴-۵. ﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا...﴾ (غافر، ۱۳)

در این آیه شریفه مقصود از «رزق» سبب رزق یعنی «باران» است. بنابراین نوع مجاز در آن اطلاق مسبب بر سبب می‌باشد (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۷). به عقیده اکثر مفسران نیز منظور از «رزق» نزول باران است (رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۱۷؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۴: ۱۰۸؛ جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۸: ۲۰۲). همچنین علامه طباطبائی (ره) اشاره دارد که رزق دادن به بندگان، یکی از شئون ربوبیت است که شامل همه نوع رزقی می‌شود و با توجه به آیه ۲۱ «حجر»، مراد از نازل شدن آن از جانب آسمان، آمدن رزق از غیب به شهود است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۷: ۳۱۷). و جناب طیب بیان داشته منظور آن فقط باران نیست که در نتیجه سبب رویاندن میوه و انبات شود، بلکه «رزق اعم از مأكول و مشروب است» و شامل حیات، علم، قدرت و ایمان و... می‌شود، چون این‌ها هم از نعم الهی هستند، تمامشان را تقدیر فرمود و گفت از عالم بالا نازل فرموده و شاهد بر آن، جمله «وَمَا تَوْعَدُونَ» در آیه ۲۲ «ذاریات» می‌باشد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱: ۳۶۰). ولی در تفسیر نمونه گفته شده این گونه تفاسیر مخالف ظاهر آیه است و هیچ الزامی بر آن وجود ندارد. پس از نظر ایشان مصداق رزق از آسمان «نزول باران، نور آفتاب و هواست. زیرا این سه امر مهم‌ترین وسیله حیات هستند، بقیه فرع بر آن هستند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۵۰). صاحب *منهج الصادقین* بیان داشته علاوه بر معنای باران، ممکن است «منظور ملائکه‌ای باشند که با نزولشان به تدبیر ارزاق اشتغال می‌نمایند» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۸: ۱۳۴) که در این صورت هم اطلاق مسبب بر سبب

است. به نظر ابن عطیه منظور از رزق علاوه بر تنزیل باران، «نزول غذا و حکم می‌باشد. یعنی آنچه انسان در تجارت امید رسیدن به آن دارد» (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۴: ۵۵۰). لذا برخی از مفسران «رزق» را تنها مجاز از باران و عده‌ای نیز آن را مجاز از باران و دیگر نعمت‌های الهی می‌دانند.

ردیف	مترجم	ترجمه	روش ترجمه (مجاز)
۱	آیتی	و برایتان از آسمان روزی فرستاد.	معنایی
۲	انصاریان	و از آسمان برای شما روزی نازل می‌کند.	معنایی
۳	گرمارودی	و از آسمان برای شما روزی فرو می‌فرستد.	معنایی
۴	معزی	فرستد برای شما از آسمان روزی.	معنایی
۵	فولادوند	برای شما از آسمان روزی می‌فرستد.	معنایی
۶	مکارم شیرازی	از آسمان برای شما روزی (با ارزشی) می‌فرستد.	معنایی
۷	طاهری	برای شما [با نزول باران] از آسمان روزی می‌فرستد.	معنایی-ارتباطی
۸	نوبری	برای شما از آسمان باران (وسیله روزی) می‌فرستد.	معنایی-ارتباطی
۹	سراج	فرو می‌آورد برایتان از آسمان (اسباب) روزی را.	معنایی-ارتباطی
۱۰	مجتبوی	برای شما از آسمان روزی- باران- فرو می‌فرستد.	معنایی-ارتباطی

چنان چه ملاحظه می‌شود مترجمان محترم این واژه را یا به صورت تحت اللفظی (معنایی) ترجمه کرده‌اند، که در این صورت معنایی عام را شامل می‌شود و گویا نیست؛ مانند ترجمه آقایان معزی، فولادوند و مکارم و...، یا تلفیقی از معنای لفظی و آزاد است که اگر معنای لفظ آن به طور مستقیم و معنای آزادش مختصراً در پراکنش ذکر شود، تصویر زیباتری به خواننده القا می‌کند؛ مانند ترجمه آقایان مجتبوی و نوبری. بنابراین ترجمه پیشنهادی چنین است: «برای شما از آسمان (به وسیله باران) روزی نازل

می‌کند» و یا «برای شما از آسمان روزی (باران و ...) نازل می‌کند» که به صورت معنایی-ارتباطی می‌باشد.

### ۵-۵. ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ﴾ (شوری، ۳۰)

در این آیه شریفه مقصود از «کسب دستان» اعمالی است که انسان آن‌ها را انجام می‌دهد و مجاز آن از باب اطلاق اسم جزء (دست) بر کل (تمام اعضاء و جوارح) می‌باشد و این شامل معاصی و مکافات کردار آدمی است که به دست خود انجامش می‌دهد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳: ۴۰؛ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۰۹۰). و سرّ این که در آیه مصیبت را به عمل دستان نسبت می‌دهد، این است که انسان‌ها اغلب اعمال خود را با دستانشان انجام می‌دهند (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۷). البته منظور از اعمال در این جا فقط اعمال زشت و گناهان می‌باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۵۹).

ردیف	مترجم	ترجمه	روش ترجمه (مجاز)
۱	دهلوی	... پس به سبب گناهی است که به عمل آورد دست‌های شما.	معنایی
۲	شعرانی	... پس به آن است که کسب کرد دست‌های شما .	معنایی
۳	مجتبوی	... به سبب کارهایی- خطاها و گناهانی- است که دست‌هایتان کرده.	معنایی
۴	آیتی	... به خاطر کارهایی است که کرده‌اید.	ارتباطی
۵	انصاریان	... به سبب اعمالی است که مرتکب شده‌اید.	ارتباطی
۶	بروجردی	... نتیجه رفتار و کردار ناشایسته خود شماست.	ارتباطی
۷	گرمارودی	... از کردار خود شماست.	ارتباطی
۸	مشکینی	... به خاطر گناهانی است که خود کسب کرده‌اید .	ارتباطی
۹	الهی قمشه‌ای	... همه از دست (اعمال زشت) خود شماست.	معنایی-ارتباطی
۱۰	فولادوند	... به سبب دستاورد خود شماست.	معنایی-ارتباطی

با نگاهی به ترجمه‌های مشهور گذشته و معاصر درمی‌یابیم که همه انواع روش‌های ترجمه در آن‌ها به کار گرفته شده است. اما ترجمه آقایان فولادوند، الهی قمشه‌ای و مشکینی با توجه به حفظ نظم آیه و چینش صحیح کلمات و بیان مفهوم اصلی مقصود، رساتر از دیگر ترجمه‌ها است. البته ترجمه‌هایی مانند ترجمه آقای شعرانی در این میان مفهوم رسایی ندارد، چون کاملاً تحت اللفظی (معنایی) بیان شده است. در نتیجه ترجمه پیشنهادی آیه به صورت معنایی - ارتباطی و چنین است: «به سبب کارهایی است که با (اعضاء و جوارح و به ویژه) دست‌هایتان انجام داده‌اید».

#### ۵-۶. ﴿حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا﴾ (محمد، ۴)

در این آیه شریفه اسناد «تضع: به زمین نهادن» به «حرب: جنگ» غیر حقیقی است. زیرا جنگ شخصیت حقیقی ندارد که بتواند فاعل فعل «تضع» باشد و این نوعی از اقسام مجاز عقلی است که در آن «تضع» به صورت مجازی و «حرب» به صورت حقیقی به کار رفته است (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۶). در حقیقت «أوزار الحرب» به معنای اسلحه جنگجویان است و مراد از وضع آن به طور کنایه «تمام شدن جنگ» می‌باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۸: ۲۲۵). البته مفسران در تفسیر آن، نظرات دیگری نیز بیان کردند؛ از جمله ابن عباس گفته: تا آن گاه که دیگر از مشرکین کسی باقی نماند و به نظر مجاهد، تا آن گاه که دینی غیر از اسلام باقی نماند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۴۸).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی



ردیف	مترجم	ترجمه	روش ترجمه (مجاز)
۱	ارفع	تا جنگ، بار سنگین خود را بر زمین گذارد.	معنایی
۲	الهی قمشه‌ای	تا در نتیجه جنگ سختی‌های خود را فرو گذارد.	معنایی
۳	انصاریان	تا آنجا که جنگ بارهای سنگینش را بر زمین نهد.	معنایی
۴	مکارم شیرازی	تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد.	معنایی
۵	آیتی	تا آن گاه که جنگ به پایان آید.	ارتباطی
۶	خواجوی	تا جنگ فروکش کند.	ارتباطی
۷	فولادوند	تا در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته شود.	ارتباطی
۸	کاویان پور	تا وقتی که کافران سلاح خود را به زمین بگذارند (و تسلیم شوند).	ارتباطی
۹	برزی	تا اهل جنگ بارهایش [سلاح‌های خویش] را بر زمین گذارد.	معنایی-ارتباطی
۱۰	مجتبوی	تا جنگ بارهای خود را بنهد-به پایان رسد.	معنایی-ارتباطی

چنان که در ترجمه‌ها ملاحظه می‌شود این آیه بیشتر به صورت معنایی ترجمه شده، در حالی که باید مفهوم حقیقی آن نیز در ترجمه لحاظ شود و برگردان آن به صورت معنایی-ارتباطی باشد تا ترجمه‌ای کامل پیش روی خواننده قرار گیرد: «تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین بگذارد (به پایان رسد)». بنابراین ترجمه آقای مجتبوی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

#### ۷-۵. ﴿يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ (مزل، ۱۷)

در این آیه «يَجْعَلُ شِيبًا» یعنی پیر کردن به «يَوْم» نسبت داده شده است، درحالی‌که «يَوْم» فاعل حقیقی نیست، بلکه ظرف زمانی برای پیر شدن کودکان است (سیوطی، ۱۹۷۳، ج ۲: ۳۶). و این مجاز بدان معناست که شدت هول و هراس آن روز،

کودکان را به هیئت پیران درمی آورد (طوسی، لا. ت، ج ۱۰: ۱۶۸؛ طرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۷۳).

بررسی ترجمه‌های مشهور از این آیه نشان می‌دهد ترجمه‌هایی که به صورت معنایی-ارتباطی آمده است، حق مطلب را ادا نموده‌اند. بنابراین ترجمه آقایان خسروی، سراج و مشکینی کامل‌تر می‌باشند. ترجمه پیشنهادی نیز چنین است: «روزی که (شدت هول و سختی آن) فرزندان کوچک را پیر می‌گرداند»

## ۶. نتیجه‌گیری

با بررسی یکی از شیوه‌های به کارگیری بلاغت در بیان، با عنوان مجاز در سطح آیات قرآنی به همراه دلالت بلاغی آن، می‌توان گفت هر گونه تغییر در لفظ و اختصارگویی در بیان، حاوی پیام لطیفی است تا از این رهگذر مقصود خاص متکلم به صورتی عمیق‌تر به ذهن مخاطب خطور کند.

مجاز تلاشی است جهت ارتقاء و تنوع اسالیب زبان و بیان زیباشناختی آن. بنابراین مترجم باید عارف به لطایف و ظرایف معنایی زبان باشد و نسبت به، به‌کارگیری روش مناسب و کارآمد در ترجمه نکات بلاغی التفات کامل داشته باشد، چراکه بیان نکات نهفته در متن، نقش مهمی در پیام رسانی و تأثر و تحول روحی مخاطب ایفا می‌کند.

در این نوشتار نمونه‌هایی از آیات قرآنی در بردارنده این نوع بیان بلیغ در حیطه ترجمه‌هایی که از گذشته تا کنون ارائه شده، همراه با ذکر رویکرد لغزشی مترجمان محترم مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه آن که در ترجمه انواع مجاز که یکی از بهترین مظاهر اعجاز بیانی آیات قرآن به شمار می‌آید، پیشنهاد می‌شود روشی مورد استفاده قرار گیرد که در بردارنده معنای حقیقی لفظی که اشاره به مجاز دارد، باشد و علاوه بر آن به صورت مختصر و البته غیر مستقیم و داخل پرانتز مفهوم اصلی و مقصود از مجاز نیز ذکر شود. این روش را می‌توان روش تلفیقی

«معنایی-ارتباطی» نامید. اما بررسی ترجمه‌های مختلف ارائه شده از قرآن کریم-چه در گذشته و چه در دوره حاضر- نشان از به کارگیری روش‌های مختلف از سوی مترجمان دارد، به طوری که مترجمان گاهی از روش معنایی، گاهی از روش ارتباطی و گاهی نیز از روش معنایی-ارتباطی بهره جسته‌اند که البته خود موجب نوسانات زیادی در ترجمه‌ها و خروج آن‌ها از روش‌مندی و علمی بودن شده است. از سوی دیگر بررسی یک ترجمه واحد نیز نشان می‌دهد که برای ترجمه مجاز در آن از روش‌های مختلفی استفاده شده است. این امر نیز می‌تواند به عنوان یکی از ضعف‌ها و اشکالات ترجمه‌های ارائه شده از قرآن باشد.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. Metonymy
2. Context
3. Ambiguity

۴. نوشته رضا امانی و یسرا شادمان. (۱۳۹۱). «مجله مطالعات قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)». سال پنجم. ش ۲. صص ۱۳۹-۱۶۸.

۵. نوشته سید محمد رضی مصطفوی نیا و محمد مهدی طاهر، ترجمان وحی، سال چهاردهم، بهار ۱۳۸۹.

۶. مقالاتی با عنوان «معانی مجازی در قرآن مجید» نوشته یعقوب جعفری که از شماره ۲۵ تا ۳۱ در فصل‌نامه ترجمان وحی به چاپ رسیده است.

7. Source language
8. Target language
9. Denotative meaning
10. Connotative meaning
11. Rhetorical figures
12. Decoding

## ۸. منابع

علاوه بر قرآن کریم (با ترجمه‌های: عبدالمحمد آیتی، سید کاظم ارفع، محمود اشرفی تبریزی، مهدی الهی قمشه‌ای، حسین انصاریان، اصغر برزی، سید محمد ابراهیم بروجردی، ابوالقاسم پاینده، غلامرضا خسروی، محمد خواجوی، شاه ولی‌الله دهلوی، محمدعلی رضایی اصفهانی، رضاسراج، ابوالحسن شعرانی، علی اکبر طاهری، محمد مهدی فولادوند، احمد کاویان‌پور، علی گرمارودی، سیدجلال الدین مجتبی، علی مشکینی، عباس مصباح‌زاده، محمدکاظم معزی، ناصر مکارم شیرازی، عبدالمجید صادق نوبری).

- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵). «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم». تحقیق عبدالباری عطیة، علی. ط ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.

- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (لا. ت). «التحریر و التنویر». لا. ب. بی نا.  
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۶۳). «لسان العرب». قم: نشر أدب الحوزه.  
- ابن عطیة، أبو محمد. (۱۴۲۲). «المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز». ط ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.

- أبو عبیدة، معمر بن مثنی. (۱۳۸۱). «مجاز القرآن». مکتبة الخانجی.  
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰). «معالم التنزیل فی تفسیر القرآن». ط ۱. بیروت: دارإحياء التراث العربی.

- بی آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۶). «قرآن ناطق». ج ۱. بی جا. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۱۱). «مختصر المعانی». ط ۱. قم: مؤسسه دارالفکر.  
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان. (۱۳۷۰). «أسرار البلاغة». ترجمه: تحلیل، جلیل. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

- خطیب قزوینی، جلال الدین. (۱۴۲۵). «الإيضاح فی علوم البلاغة». تحقیق: غریب الشیخ محمد و ایمان الشیخ محمد. ط ۱. بیروت: دارالکتب العربی.  
- رازی، أبو الفتوح. (۱۴۰۸). «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن». مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- راغب إصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). «المفردات في غريب القرآن». تحقیق: صفوان عدنان داوودی. ط ۱. دمشق: دارالعلم دارالشامیه.
- سکاکی، أبویعقوب. (۱۹۹۹). «مفتاح العلوم». بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سلماسی زاده، محمد جواد. (۱۳۶۹). «تاریخ سیر ترجمه قرآن در جهان». چ ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سید رضی. (لا. ت). «تلخیص البیان عن مجازات القرآن». لا. ب. لا. نا.
- سیوطی، جلال السیدین عبدالرحمان. (۱۹۷۳). «الإتقان في علوم القرآن». بیروت: المكتبة الثقافية.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۴۱۷). «المیزان في تفسیر القرآن». چ ۵. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). «مجمع البیان في تفسیر القرآن». چ ۳. تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (لا. ت). «التبیان في تفسیر القرآن». بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). «أطیب البیان في تفسیر القرآن». چ ۲. تهران: انتشارات اسلام.
- فخر رازی، أبوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰). «مفاتیح الغیب». ط ۳. بیروت: دارإحياء التراث العربی.
- فرح زاد، فرزانه. (۱۳۸۶). «ترجمه پیشرفته». چ ۲. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- فیومی، أحمد بن محمد. (۱۴۰۵). «مصباح المنیر». ط ۱. لا. ب. مؤسسة دارالهجرة.
- کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۳۶). «تفسیر منهج الصادقین في إلزام المخالفین». تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی. (۱۳۶۹). «مواهب علیة». تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- لطفی پورساعدی، کاظم. (۱۳۸۷). «درآمدی به اصول و روش ترجمه». چ ۸. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). «تفسیر نمونه». چ ۱. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- ناظمیان، رضا. (۱۳۸۶). «متن ترجمه» (عربی- فارسی). چ ۱. تهران: نشر دانشگاه پیام نور.